نگاهی به صادرات 9 ماه اول امسال

مرکز توسعه صادرات ایران در دیماه سال جاری آمار صادرات 9 ماه اول سال جاری را انتشار داد.اینکه در ماه‏ دهم سال،آمار 9 ماهه انتشار می‏یابد،به خودی‏خود اقدامی تحسین‏برانگیز و درخور تقدیر است.اما در مجموع،ارقام صادرات کشور جز در زمینه‏های صنایع و کشاورزی که از رشد قابل توجهی برخوردار بوده است،در رشته‏های دیگر با تنزل-و گاه با تنزل بسیار شدید،همراه‏ بوده است.نهابتاً کل صادرات کالاهای غیرنفتی در 9 ماه‏ اول امسال 4 درصد از صادرات مدت مشابه سال قبل کمتر بوده است.

صادرات کالاهای کشاورزی در 9 ماه اول امسال به مبلغ‏ 1079 میلیارد ریال رسید(ارقام سر راست شده است)که‏ 16 درصد نسبت به رقم مدت مشابه سال قبل افزایش‏ نشان می‏دهد.

صادرات کالاهای صنعتی از مرز 1800 میلیارد ریال‏ فراتر رفت و افزایش قابل ملاحظهء 23 درصدی برجای‏ گذاشت.

رقم صادرات فرش با تنزل 37 درصدی،به 833 میلیارد ریال رسید.این تنزل بر روی تنزل 45 درصدی سال 74 نسبت به سال 73 استوار بود و نهایتاً حجم صادرات فرش‏ و صنایع دستی را(که در آمار یکجا ذکر می‏شوند)بطرز نامعقولی کاهش داد.

در این میان تنزل صادرات فراورده‏های معدنی شدت‏ بیشتری داشت.در یک دورهء 9 ماهه،مواد معدنی با 57 درصد تنزل روبرو شد و از 5/80 میلیارد ریال در 9 ماه اول‏ سال قبل،به 7/43 میلیارد رسید.

تنزل صادرات سایر کالاها نیز 29 درصد بود.

سهم صادرات گفته شدهء در کل صادرات 9 ماه اول امسال‏ به این شرح بود:کالاهای صنعتی 45 درصد کالاهای‏ کشاورزی 27 درصد-فرش و صنایع‏دستی 21 درصد- کالاهای معدنی 1 درصد-سایر کالاها 6 درصد.مطالعهء تطبیقی در این زمینه حاکی از آنست که در 9 ماه اول‏ امسال نسبت به مدت سال قبل 10 درصد بر سهم‏ صادرات کالاهای صنعتی در کل صادرات کالاهای‏ غیرنفتی افزوده شده است افزایش سهم کالاهای‏ کشاورزی معادل 4 درصد بوده است.در مقابل فرش و صنایع‏دستی که 32 درصد گذشته تشکیل می‏داد،در 9 ماه اول‏ امسال فقط 21 درصد سهم بازار صادرات را به خود اختصاص داد.همچنین سهم معادن از 2 درصد به 1 درصد تنزل کرد.

تغییرات ماهانه نشان می‏دهد که تنزل صادرات در چهار ماه اول سال روی داده و از مردادماه تا آخر آذرماه‏ رشد مجدد صادرات،تنزل شدید یافت.کاهش سه ماه اول‏ سال و تنزل یک درصدی تیرماه را افزایش صادرات در ماه‏های بعد تا حد زیادی جبران کرده است که حاصل نهائی‏ آن همان تنزل 4 درصدی 9 ماهه اول سال است.در حالیکه برای مثال،تنزل صادرات اردیبهشت‏ماه امسال‏ نسبت به سال قبل 53 درصد و فروردین امسال نسبت به‏ فروردین سال قبل نیز 43 درصد بود.بهبود نسبی صادرات‏ از ماه چهارم سال به اینطرف را،همانطور که در شمارهء قبل‏ برآورد کرده بودیم،باید ناشی از اقدامات تعدیلی دانست‏ که از اواخر سه ماههء اول سال به مورد اجرا گذاشته شد.

باید گفت:صادرات کشور در وضعی قرار دارد که سخت‏ محتاج اقدامات جبرانی از سوی دولت و متولیان امر صادرات می‏باشد.هر تصمیمی که دربارهء صادرات گرفته‏ شود فوراً اثر خود را بر روی حجم صادرات منعکس می‏کند، در حالیکه معمولاً باید اثر این تصمیمات سه تا چهار ماه‏ بعد ظاهر شود.این تأثیرگذاری فوری نشانهء آن است که‏ صادرات به‏طور روزمره و با اصطلاح‏"دست به دهان‏"به‏ حیات خود ادامه می‏دهد.باید در این وضع تغییر بنیانی به‏ وجود آید و صادرات با برخورداری از برنامهء بلند مدت،با پشتیبانی قراردادهای فروش قابل اتکاء،رشد سالم و مستمری پیدا کند.متأسفانه اینک صادرات تنزل‏ مستمری پیدا کرده است.برای اینکه جمله آخر را شعارگونه توصیف نکنید لازم است با توسل به آمار موضوع‏ را بیشتر بشکافیم.در 9 ماه اول امسال 73 صادرات کشور با رقم دلاری(از قرار هر دلار برابر 1750 ریال محاسبه‏ای)3 میلیارد و 300 میلیون دلار بود.در مدت مشابه سال 74 به 2 میلیارد و 439 میلیون دلار رسید و در 9 ماه اول امسال به 2 میلیارد و 345 میلیون دلار تنزل کرد.این دو سال یعنی‏ سال 74 و سال 75 سالهائی است که در آن مسأله‏"صادرات‏ بدون نفت‏"یا برنامهء"نه فقط نفت‏"و سرانجام برنامهء" توسعهء صادرات غیرنفتی‏"با تبلیغات گسترده‏ای همراه بود. اما متأسفانه حمایتهای ناکافی از صادرکنندگان و در جهت‏ عکس،وضع قوانین محدودکننده،صادرات را شدیداً تنزل‏ داد.در همان حال درآمد حاصل از نفت صادراتی سهمی‏ بسیار افزونتر در موازنهء تجاری کشور بر دوش گرفت.برای‏ مثال امسال درآمد حاصل از صدور کالای سرمایه‏ای نفت‏ 5/3 میلیارد بیشتر از رقم پیش‏بینی شده در بودجه‏ خواهد بود.اگرچه این امر به خودی‏خود موجب خوشوقتی‏ است،اما واقعیت تأسف‏آور این است که ما بیش از پیش به‏ درآمد نفت صادراتی متکی شده‏ایم.معهذا این تأسف‏ چنان نیست و نباید چنان باشد که ما را به ناامیدی‏ بکشاند.افزایش صادرات کالاهای صنعتی و کشاورزی‏ نقاط قوت در برنامه‏های صادراتی محسوب می‏شوند.

اینکه اینک صادرات کالاهای صنعتی 45 درصد از صادرات غیرنفتی کشور را به عهده دارد جای خوشوقتی‏ است اگرچه مبلغ یک میلیارد و 29 میلیون دلار صادرات 9 ماههء آن(با احتساب هر دلار برابر 1750 ریال)هنوز رقمی‏ چشمگیر محسوب نمی‏شود.اما به‏هرحال نشان می‏دهد که حرکت در جهت صدور کالاهای صنعتی آغاز شده است‏ و اینک مقام اول در صادرات کالاهای غیرنفتی در اختیار صنایع است.سهم معقول صادرات کالاهای صنعتی،تا زمانیکه صدور خدمات به رقم قابل ملاحظه‏ای نرسیده‏ است،باید بین 80 تا 85 درصد صادرات غیرنفتی باشد، معهذا سهم نسبی فرع بر مبلغ یا قدرمطلق صادرات است. وقتی کشورهای کوچک جنوب‏شرقی آسیا از صادرات 50 میلیارد دلاری،77میلیارد دلاری و یکصد میلیارد دلاری‏ در سال صحبت می‏کنند،کشور ما نباید به رقم 3 میلیارد یا 4 میلیارد دلار دل خوش کند.

در بررسی حاضر آنچه بسیار تأمل‏برانگیز است تنزل‏ 75 درصدی موادمعدنی است.موادمعدنی اخیراً مورد توجه‏ صادرکنندگان قرار گرفته بود.این امر در واقع ناشی از دو عامل بود.یکی توسعهء سرمایه‏گذاری در معادن و بهبود روشهای بهره‏برداری،دیگری استفادهء ارزی که‏ صادرکنندگان از بالا بودن قیمت ارز در بازار عایدشان‏ می‏شد.این عامل دوم که بهترین انگیزه شخصی محسوب‏ می‏شد،از 31 اردیبهشت‏ماه سال گذشته از صادرکنندگان‏ گرفته شد و صدور موادمعدنی در حجم و ابعاد سالهای قبل‏ که امید به توسعهء روزافزون آن وجود می‏داشت،مقرون به‏ صرفه نبود و ناگزیر حرکت نزولی صادرات آغاز شد.در همه‏ جای دنیا تنزل ارزش پول داخلی را-که بصورت برقراری‏ نرخ بالاتر ارز صورت می‏گیرد-عاملی برای توسعهء صادرات و کاهش واردات می‏دانند.و در عمل نیز درستی‏ آن به ثبوت رسیده است.لیکن نحوهء عمل(مکانیسم)کار وقتی قابل اعمال است که ارز در اختیار صادرکننده باشد و به نرخ عرضه و تقاضای بازار خرید و فروش شود،حال‏ خریدار دولت باشد یا نظام بانکی یا بخش خصوصی برای‏ کسی که ارز در اختیار و تملک اوست تفاوتی نمی‏کند.اما وقتی قرار باشد ارز به نرخ ثابتی،فرضاً هر دلار برابر سه‏ هزار ریال به نظام بانکی فروخته شود،در حالیکه در بازار آزاد نزدیک به پنچ هزار ریال مشتری دارد،طبعاً رغبت به‏ صادرات قانونی که مسائل دیگری مانند مالیات بر درآمد و هزینه‏های متفرقه دیگر نیز دارد،کاهش می‏یابد.بعضی‏ کالاها را می‏توان غیر قانونی از مرزها خارج کرد در مورد این‏ کالاها،کار از دست بازرگان صادرکننده خارج شده،به‏ دست قاچاقچیان کالاهای صادراتی می‏افتد که ظاهراً نه‏ نام و نشانی برجای می‏گذارند و نه مالیات و عوارضی‏ می‏دهند.ارز حاصل از صادراتشان نیز در اختیار خودشان‏ خواهد بود و به بالاترین قیمتی که خریدار داشته باشد می‏فروشند.در این میان پاره‏ای کالاها خصلت قاچاق‏ کردن ندارند که موادمعدنی نمونهء بارز و فرد اعلای آن‏ هستند.طبعاً صادرات اینگونه کالاها کاهش می‏یابد. ضرروزیان این امر فقط متوجه کاهش ارقام صادراتی‏ نیست،بلکه سرمایه‏های عظیم به کار رفته در این رشته‏ها بیکار می‏ماند و کارگران شغل خود را از دست می‏دهند و رشد بعدی اقتصادی کشور که به فعالیت‏های معدنی نیاز بسیار دارد،دچار مخاطره می‏شود.

باید نحوهء عمل طوری باشد که اگر هم نظام بانکی‏ می‏خواهد ارز حاصل از صادرات را بخرد به قیمت عرضه و تقاضای واقعی خریداری کند.در همه جای دنیا بانکهای‏ مادر یا بانکهائی که کارگزار دولت هستند در هنگام‏ ضرورت،برای جمع‏آوری ارز،بهترین قیمت بازار را پیشنهاد می‏کنند و در هنگام فروش،به پائین‏ترین قیمت‏ عرضه می‏کنند با چنین روشی که ایجاد انگیزه است،ارز لازم را به دست می‏آورند و بازار ارز را متعادل نگاه می‏دارند. ما می‏خواهیم هم بازار ارز را ثابت نگهداریم،هم صادرات‏ را افزایش دهیم.اما مکانیسم یا نحوهء عمل بازار را نادیده‏ می‏گیریم.مقامات پولی و ارزی کشور باید در نظر داشته‏ باشند که نیروی بازار وجود دارد چه آن را به رسمیت‏ بشناسیم،چه نشناسیم.بهتر است با واقعیت‏ها ستیز نکنیم.حساب و کتاب دریافتی‏ها و پرداختی‏ها و تعهدات‏ ارزی را بطور دقیق نگهداشتن یک مسأله است،ملزم‏ کردن صاحب ارز به فروش ارز خود به قیمتی کمتر از قیمت‏ مورد تقاضای بازار،مسأله دیگر است.

به هر صورت،بعد از موادمعدنی،فرش و صنایع‏دستی‏ دومین گروه کالای صادراتی تنزل یافته می‏باشد.در 9 ماه‏ اول امسال صادرات فرش و صنایع‏دستی،همانطور که ذکر شد،معادل 37 درصد تنزل نسبت به مدت مشابه سال قبل‏ نشان می‏دهد.این رقم بر کاهش 45 درصدی صادرات‏ فرش در سال گذشته مستقر است.سیاست صبر و انتظار بانک مرکزی در مورد فرش نتیجه نداد و بالاخره بازار خود را با تصمیمات بانک مرکزی هماهنگ نساخت.اینک‏ مجلس تصویب کرده است ارز حاصل از صادرات فرش در اختیار صادرکننده یا نماینده او قرار گیرد.رئیس کل بانک‏ مرکزی این اقدام مجلس را که در لحظه نوشتن این گزارش‏ هنوز قطعیت قانونی نیافته است خلاف تصمیمات شورای‏ مصلحت نظام دانسته و اظهار امیدواری کرده است که‏ شورای نگهبان آن را نپذیرد.بعلاوه تأکید کرده است که‏ حتی در صورت تصویب شدن بودجه با بند الحاقی به‏ تبصره 29 مذکور،صادرکنندگان همچنان ملزم خواهند بود مقررات ارزی بانک مرکزی را رعایت کنند.

در اینکه بانک مرکزی به موجب قانون اختیاردار و مسئول حفظ ارزش پول کشور و تنظیم سیاستهای پولی و ارزی کشور می‏باشد جای تردید نیست.مجلس هم البته‏ هم قدرت قانونگذاری است و هم قدرت نظارت بر اجرای‏ قوانین دارد.شورای نگهبان هم بر تصویب قوانین از لحاظ انطباق با موازین شرع و قانون‏اساسی نظارت و قدرت‏ تأیید قائقه دارد.نویسنده وارد ماهیت هیچیک از این‏ بحثها نمی‏شود،زیرا مقالهء حاضر برای بحث در این زمینه‏ طرح‏ریزی نشده است و این مسأله به تجزیه و تحلیل‏ مستقلی نیازمند است.در اینجا ما فقط می‏گوئیم که ارز حاصل از صادرات متعلق به صادرکننده است و نظارت بر مصرف آن به عهدهء بانک مرکزی و این نظارت باید به‏ گونه‏ای باشد که با ساختار اقتصادی و اجتماعی جامعه و حق و عدالت سازگار باشد.همین مقدار برای این بحث‏ کافی است.

اینک وقت آن است که گروه‏هایی کالائی گفته شده را کمی بشکافیم و بیشتر به جزئیات نزدیک شویم تا متهم‏ به کلی‏گوئی نشویم.

در بخش کشاورزی،خشکبار با 61 درصد صادرات این‏ بخش،مهمترین قلم را تشکیل می‏دهد.ارزش صادرات‏ خشکبار در 9 ماه اول امسال برابر 385 میلیون دلار بود.که‏ نسبت به مدت مشابه سال قبل 62 میلیون دلار افزایش‏ نشان می‏دهد.به این ترتیب ارزش صادرات 19 درصد ترقی کرده است.از آنجا که ترقی وزنی خشکبار صادراتی‏ معادل 32 درصد بوده است،کاهش قیمت هر کیلو خشکبار صادراتی محسوس است.تلاش ما از این پس باید متوجه‏ آن باشد که ضمن تولید کالای بیشتر،از طریق صدور کالای مرغوبتر و بسته‏بندی بهتر،بتوانیم هر واحد کالا را با ارزش افزوده و نهایتاً با قیمت بهتری به فروش برسانیم.

اینکه عده‏ای می‏گویند این قیمتها واقعی نیست،بلکه به‏ علت اختلاف ارز در بازار آزاد و نرخ رسمی صادرات کمتر از قیمت واقعی تقویم می‏شود،نمی‏تواند عمومیت داشته‏ باشد زیرا نرخها توسط مرکز توسعه صادرات در کمیته‏ نرخ‏گذاری صادراتی تعیین می‏شود.باید در مرغوبیت‏ کالای صادراتی بیشتر دقت کنیم.

صادرات قیسی و برگه زردآلو در 9 ماه امسال 4 برابر مدت مشابه سال قبل بوده است و این جای خوشوقتی‏ است.زیرا به این ترتیب تولیدکننده در برابر کاهش‏ احتمالی تقاضای داخلی،دارای بازارهای خارجی می‏باشد و محصولش با تنزل و نوسانات شدید فصلی همراه نخواهد بود.

با اینهمه،پنهان نمی‏توان کرد که اگر همهء کالاهای‏ کشاورزی صادراتی در برابر حد اقل قیمت فروش تضمین‏ شوند،تأثیر قاطع‏تری در توسعهء صادرات این قلم عمده‏ خواهد داشت.فراورده‏های کشاورزی اگرچه در تولید با نوسانات غیر قابل کنترل مثل وضع جوی و گاه آفات‏ ناشناخته روبرو هستند،اما پس از به‏دست آوردن محصول، بازار ثابت‏تری می‏توانند داشته باشند.زیرا سلیقه و پسند خریدار در این محصولات که به ذائقه مربوط می‏شود،از دوام بیشتری برخوردار است.

کاهش 19 درصدی ارزش صادرات آبزیان از جمله‏ مواردی است که ما را نسبت به اصل پرورش آبزیان و لزوم‏ حفظ محیطزیست و تکثیر آبزیان و جلوگیری از صید بی‏رویه،خاصه صید آبزیان رشد نکرده،به تفکر وامی‏دارد. در این مورد باید اقدام جمعی در دریاچه خزر و خلیج فارس‏ صورت گیرد و نهایتاً باید یک اقدام هماهنگ جهانی‏ برای اینکه فرصت تولیدمثل به آبزیان-بیش از میزان‏ صید سالانه-داده شود،صورت گیرد.در این گروه میگو از افزایش صادراتی معادل 88 درصد ارزش و 95 درصد وزن‏ برخوردار بوده است.

زعفران نیز بعلت وزن کم و ارزش بالا جزو کالای‏ کشاورزی است که توسعهء مطلوب داشته است.اگرچه مبلغ‏ 4/12 میلیون دلار درآمد ارزی زعفران چندان زیاد بنظر نمی‏رسد اما این کالائی است که می‏تواند بازار خوبی در خارج برای خود فراهم کند.به علت حجم کم،صدور زعفران همراه مسافران یک امر عادی است که زیاد هم‏ نباید دربارهء آن سخت‏گیر بود زیرا از یکطرف بازار تولید داخلی را استحکام می‏بخشند و از دیگر سو،خارجیان را به‏ طعم و عطر این کالا آشنا می‏سازند.و یک نوع بازاریابی‏ طبیعی و مؤثر محسوب می‏شود.ما باید از هر فرصتی برای‏ توسعهء صادرات غیر نفتی استفاده کنیم و هیچ کالائی را از نظر دور نداشته باشیم.

کاهش 17 درصدی پشم و کرک در برابر افزایش صدور 137 درصدی البسه آماده تا حدی قابل توجیه است.لیکن‏ در آمار تصریح نشده است که این البسه نخی،پشمی یا از الیاف مصنوعی است.مطلوب این است که در آمارگیری‏های بعدی اقلام براساس نوع الیاف به کار رفته‏ تفکیک شود.اما این اصل که بجای الیاف خام البسهء آماده‏ صادر شود و کار بیشتر در داخل و ارزش افزوده از صادرات‏ برای کشور تأمین کند باید سرلوحهء برنامه‏های صادراتی- در هر زمینه که ممکن باشد-قرار گیرد.

در زمینه صادرات کالاهای صنعتی،چنانکه اشاره شد اینک این گروه کالاها 45 درصد صادرات کشور را بخود اختصاص داده و بالاترین رقم کالاهای صنعتی محسوب‏ می‏شوند.صدور یک سوم از مبلغ 837 میلیون دلار کالای‏ صادراتی این بخش را موادشیمیائی و پتروشیمی تشکیل‏ می‏دهد،که اگرچه قدرمطلق آن اندک است،معهذا دورنمای امیدوارکننده‏ای فراراه صنعت و صادرات صنعتی‏ قرار می‏دهد.صنعت کشور می‏رود تا محصولات ساخته‏ شده با ارزش افزودهء بالا صادر کند.امیدواری وقتی بیشتر می‏شود که ملاحظه می‏کنیم این صنعت از مواداولیه داخلی‏ استفاده می‏کند و ما در زمینه نفت و گاز دارای برتری نسبی‏ مسلم هستیم.افزایش این رقم در توسعهء کلی صادرات‏ صنعتی تأثیر داشته است.

براساس پیش‏بینی مرکز توسعهء صادرات ایران،صادرات‏ کالاهای صنعتی تا پایان امسال از 1400 میلیون دلار فراتر خواهد رفت.و رشدی برابر 32 درصد-یعنی 10 درصد بیشتر از رشد 9 ماهه-بر جای خواهد گذاشت.

اقلام عمده این بخش به این شرح رشد داشته‏اند:

البسه آماده 137 درصد-کفش و کیف 124 درصد- بیسکویت و شیرینی 45 درصد-شکلات 34 درصد رب‏ گوجه‏فرنگی 123 درصد-لوازم‏خانگی 42 درصد- سیمان 33 درصد-کاشی و سرامیک 52 درصد-پودر رختشوئی 184 درصد-صابون 101 درصد-دارو 266 درصد-بنزین 7787 درصد.

در مورد فرش که صادرات آن دو سال پیاپی در حال تنزل‏ است،بحث و گفت‏وگوی بسیار داشته‏ایم.جا دارد که باز هم در این‏باره بحث و گفتگو کنیم.اما بحث مفصل‏ می‏ماند برای شماره‏های بعد.فرش ایران به صورت یک‏ معما درآمده است،در حالیکه همه دست‏اندرکاران و "متولیان‏"فرش از ارزش هنری،فرهنگی،اقتصادی، اشتغال‏زائی و ارزآوری فرش صحبت می‏کنند،ولی عملاً به فکر بهبود کمی و کیفی آن و توسعهء صادرات آن نیستند، بلکه عمدتاً به ارز حاصل از صادرات آن نظر دوخته‏اند. هیچکس نمی‏خواهد فکر کند که این ارز رایگان به دست‏ نمی‏آید و باید در بهبود فرش و توسعهء بازارهای صادراتی‏ آن باسعهء صدر سرمایه‏گذاری شود.تنزل 37 درصدی 9 ماه اول امسال و تنزل 45 درصدی سال قبل باید ما را به‏ فکر فرو برده باشد و برای رفع نارسائیها به اقدامی‏ جهادگونه وادار کرده باشد.خدا کند با تصمیم اخیر مجلس‏ برای واگذاری ارز حاصل از صادرات فرش به صادرکنندگان‏ (بشرط آنکه شورای نگهبان آنرا تائید کند)زمینه توسعهء صادرات این کالا فراهم شود.

مرکز توسعهء صادرات ایران پیش‏بینی کرده است که کل‏ صادرات فرش در یکسال جاری به رقم 920 میلیون دلار برسد که نسبت به سال قبل،همچنان یک کاهش 18 درصدی نشانی می‏دهد.

نکبه قابل تأمل اینست که دیگر اقلام صنایع‏دستی نیز همراه فرش تنزل شدید نشان می‏دهند و این امر مبین آن‏ است که علل کاهش صادرات را باید در جائی دیگر جست‏ وجو کرد.توضیح مطلب آنکه:در 9 ماه اول امسال فرش‏ پشمی و ابریشمی دستباف 37 درصد،گلیم،زیلو 38 درصد،قاب خاتم و نظائر آن 29 درصد،پارچه‏های قلمکار 13 درصد،فیروزه و سنگهای قیمتی 29 درصد و سایر اقلام‏ صنایع‏دستی 41 درصد تنزل داشته‏اند که حاصل این‏ گروه،تنزل 37 درصدی در صادرات فرش و صنایع دستی‏ بوده است.

و بالاخره می‏رسیم به تنزل 57 درصدی موادمعدنی که‏ چون در آغاز بحث دربارهء آن سخن گفته‏ایم اطالهء کلام را مطلوب نمی‏یابیم.این‏قدر می‏گوئیم که معادن را از نظر تولیدات صنعتی کشور و نیز از نظر ارزآوری نباید دست‏کم‏ بگیریم.همین معادن هستند که دیر یا زود باید جانشین‏ معادن نفت و گاز شوند.از سرمایه‏گذاری کافی در معادن‏ نباید غافل بمانیم.